

مسائل طرح های توسعه شهری

اعظم صفری رودبار

کارشناسی علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

Email: azam safarirodbar1402@gmail.com

چکیده

تغییرات سریع نظام سکونتی در کشور و گسترش روز افزون شهرنشینی و تأثیرپذیری شهرها از تحولات ملی، بین المللی و جهانی و به ویژه طرح بحثهای مربوط به جهانی شدن و جایگاه شهرها در این فرایند و همچنین نارساییهای موجود در نظام فعلی شهرسازی و برنامه ریزی شهری در کشور، نیاز به برخورد سیستمی و جامع با مقوله شهر و برنامه ریزی شهری می باشیم. به همین منظور هدف پژوهش آسیب های شناسی و مدیریت شهری می باشد، در این تحقیق به اهمیت آسیب های توسعه شهری پرداخته شد و در نهایت نتیجه گیری شد که مدیران شهرها باید به درستی این مسائل و مشکلات را شناسایی و راهکارهای مناسبی را اتخاذ نمایند.

کلیدواژه‌ها: طرح های توسعه شهری، مدیریت شهری، آسیب شناسی

۱. مقدمه:

شهر به عنوان واقعیتی جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و جامعه شناختی در هر دوره ای از رشد و تحول خود از هر کدام از این عوامل تأثیر پذیرفته و بر هر کدام از آنها تأثیر گذاشته است. پیچیدگی هر یک از این عوامل خود موجب پیچیدگی شهر به عنوان تبلور فضائی آنها بوده است. مطمئناً سازمان دادن و نظم بخشیدن به شهر و چگونگی رشد و تحول آن نیازمند موضوع شناسی شهر و مسائل شهری و سپس برنامه ریزی برای آن می باشد به طور کلی اعتقاد به بهبود محیط یکی از سرچشمه های ایده برنامه ریزی شهری و شاید مهمترین ایدئولوژی ثابت و رشد و تحول سریع شهرها در قرن اخیر و به خصوص در چند دهه اخیر باعث : استوار آن می باشد (ساتکلیف، ۱۹۸۰). رواج طرحهای شهری برای موزون ساختن توسعه های شهری شد و کشورهای صنعتی و پیشرفته به عنوان اولین کشورها اقدام به طرح ریزی برای شهرهای خود نمودند. در ایران نیز رشد و توسعه شهری هر چند با تاخیر شروع شد اما در عمل در برگزیده همان مشکلاتی است که شهرهای غربی با آن روبرو بودند در برگیرند. در واقع "تحولات شهرسازی ۲۰۰ سال اخیر جهان صنعتی و ۱۰۰ سال گذشته ایران تفاوتی جز تفاوت زمان و مکان ندارد. مشکل اصلی هر دو تاخیر در ادراک ضرورت، واقعیات و خامی در تدبیر و اندیشه های شهرسازی است" (شارمند، ۱۳۸۲). از شروع تهیه طرحهای شهری در ایران حدود چهار دهه می گذرد. اما با وجود کسب تجارب فراوان تهیه کنندگان و مجریان امور شهری، در عمل طرحهای شهری نتوانستند در مسیر توسعه برنامه ریزی شده شهرها به رغم برخی جنبه های مثبت موفق باشند. یکی از اقداماتی که می تواند در جریان اصلاح روندهای نادرست و مشکلات طرحهای جامع مورد توجه قرار گیرد، آسیب شناسی طرحهای توسعه شهری است زیرا با نگاهی نقادانه به چگونگی تهیه، اجراء و محتوای طرحها می توان مسائل و مشکلات رانشناخت و راهکارهایی را برای جلوگیری از شدت یافتن مسائل تدارک دید. شهر یک سیستم اجتماعی پویا و باز است که در آن سه سطح از حرکت مکانیکی، زیستی و اجتماعی در هم آمیخته و با انواع فراسیستمها و زیر سیستمهای متعدد در ارتباط است. بنابراین برنامه ریزی شهری مستلزم ایجاد یک نظام یکپارچه از سطوح مختلف برنامه ریزی است که نحوه پیوستگی و هماهنگی میان سیستمهای فرادست و فرودست را نشان دهد. توجه به این نکته نیز ضروری است که کل نظام مداخله در امور شهرها بر طرحهای جامع متکی است (مهدیزاده، ۱۳۸۲). به عبارت دیگر اجزاء نظام یعنی قوانین و مقررات، تشکیلات و روشها با این فرض شکل گرفته اند که طرح جامع ابزار قانونی و فنی مداخله در امور شهرهاست. بنابراین وجود نارساییها در طرحهای جامع، کل نظام مداخله در امور شهرها بر این اساس اهمیت ارزیابی مداوم طرحها در جهت کارآمد کردن مدیریت اداره : را مختل می کند (غمامی، ۱۳۷۳). شهرها در انطباق با نیازهای جامع از طریق تغذیه اطلاعاتی مسئولین و برنامه ریزان در زمینه امور شهری و مسائل ومشکلات موجود و همچنین نقش طرحهای توسعه شهری در هماهنگ کردن برنامه های بخشی نهادها و سازمانهای مسئول در اداره امور شهر، ضرورت توجه به طرحهای توسعه شهری ، شناخت و اصلاح نارساییها را دو چندان می کند. بر این اساس در این مقاله سعی شده است آسیب شناسی طرحهای توسعه شهری هم از دیدگاه فراسیستمی و دیدن شهر به عنوان جزئی از نظام سلسله مراتب برنامه ریزی فضائی در کشور مورد بررسی قرار گیرد و هم توجه به تحلیل زیر سیستمها و سیستمهای فرعی که در جریان تهیه و اجرای طرحهای شهری دخیل هستند، پرداخته شود و در نهایت با تحلیل این سطوح بتوان به ارائه راهکارهایی برای بهبود طرحهای توسعه شهری پرداخت.

رشد و توسعه شهری

کلمه ی رشد به معنای بزرگ شدن است و دارای مفهومی کمی است رشد اقتصادی یک کشور عبارت است از افزایش تولید ملی واقعی سرانه ی آن کشور در طول یک دوره ی بلند مدت. دلایل مطرح شده برای چنین تعریفی به شرح زیر است :

الف - به کاربردن کلمه تولید واقعی ، به منظور حذف اثرافزایش سطح عمومی قیمت هاست .

ب - برای دستیابی به نتایج واقعی تر و امکان مقایسه وضعیت یک جامعه در سالهای مختلف ، یا مقایسه جوامع مختلف با تعداد جمعیت متفاوت در تعریف بالا از تولید ملی سرانه به جای تولید ملی استفاده شده است،

ج - دلیل به کاربردن کلمه بلند مدت در تعریف فوق ، اطمینان یافتن از استمرار رشد اقتصادی است.

کلمه ی توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است. توسعه اگرچه دارای بعد کمی نیز می باشد، اما دراصل دارای ابعاد کیفی است. توسعه ی اقتصادی فرآیندی است که در آن یک رشته تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می پیوندد و به مرحله بالاتری از پیشرفت اقتصادی می رسد. به این ترتیب، می توان گفت رشد جزئی از توسعه است و همراه با توسعه اقتصادی حتماً رشد اقتصادی - اگرچه با تأخیر زمانی - حاصل می شود. بنابراین توسعه مترادف با رشد اقتصادی نیست. ممکن است در کشوری تولید ناخالص ملی سرانه افزایش پیدا کرده باشد با این وجود نابرابری درآمدها بیشتر شده باشد، فقرا فقیرتر شده باشند و سایر اهداف توسعه بدتر شده باشند. چنین حالتی رشد اقتصادی با توسعه منفی نامیده می شود که در آن با وجود این که درآمد سرانه افزایش یافته است وضع اقتصادی عموم مردم بدتر شده است و هیچ پیشرفتی در تغییر عادات و رفتار افراد و نهادها متناسب با آرمانهای مدرن گرائی به وجود نیامده است. اما در مقابل ممکن است کشوری در کوتاه مدت (نه در بلند مدت) رشد اقتصادی منفی داشته باشد. مثلاً "در جامعه ای که در حال تجدید ساختار در نهادهای اجتماعی و نهادهای سیاسی و روابط تولید (مثلاً اجرای اصلاحات ارضی) باشد که شرایط را برای توسعه جامعه در آینده فراهم می سازد اما در کوتاه مدت به علت از بین رفتن نظام قبلی تولید و توزیع، هزینه آن توسعه کاهش محصول ناخالص ملی باشد. می توان بدون توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی داشت همچنین می توان توسعه بدون رشد اقتصادی داشت.

شناخت این مسئله که رشد اقتصادی به خودی خود وبه تنهایی وبه طور خودکار بدون بهبود در شرایط کیفی زندگی افراد جامعه منجر به تحقق اهداف معین و وسیعتر توسعه نمی شود قدم مهمی در تکامل علم توسعه اقتصادی در دوره پس از جنگ جهانی دوم بوده است. با این وجود تعاریف مجرد و آرمان گرایانه از توسعه که در ادبیات توسعه اقتصادی عمومیت پیدا کرده است مشکلات نظری را به وجود آورده است که ضرورت دارد مفهوم توسعه را مجدداً بررسی کرد. چهار نکته زیر را می توان با توجه به این تعاریف ذکر کرد:

اولاً "مفهوم توسعه که رایج شده است به یک دنیای آرمانی اشاره دارد که هم غیرتاریخی وهم غیر سیاسی است. غیر تاریخی است چون این ساختار ایده آل هرگز وجود نداشته است و غیرسیاسی است چون مفهوم توسعه به صورت تجریدی بدون اشاره وبی توجه به ساختار سیاسی، اجتماعی، نهادی خاصی تبیین می شود.

هدفهای توسعه دارای اهمیت ویژه ای هستند اما این سؤال مطرح می شود که چارچوب اجتماعی، سیاسی خاصی که موجب رسیدن به این اهداف می شود چه باید باشد؟ به عبارتی توسعه در خلاء سیاسی رخ نمی دهد بلکه لازمه توسعه یک سازماندهی اجتماعی و سیاسی خاصی است که بتواند از نتایج نامطلوب رشد اقتصادی اجتناب کرده و جامعه را به سوی اهداف توسعه سوق دهد.

ثانیاً، "مفهوم آرمانی توسعه موجب بدبینی درباره اقتصاد توسعه شده است. توسعه در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته بسیار متفاوت از آن چیزی بوده که اقتصاددانان توسعه به آن امید داشته اند. عده ای این وضعیت را به عنوان بحرانی در علم اقتصاد توسعه مطرح ساخته اند.

ثالثاً، "یک گرایش مشخصی در اقتصاد توسعه هم در اقتصاد نئوکلاسیک وهم در اندیشه ساختارگرایان ومکتب وابستگی وجود داشته که معمولاً "توضیح (تاریخی - تحلیلی) علل توسعه را با سیاستهای توسعه مخلوط کرده اند. ما از اقتصاد دانان توسعه بیشتر شنیده ایم ((چه باید باشد)) اما درباره چگونگی و سیاستهایی که باید اتخاذ شوند کمتر شنیده وخوانده ایم. لذا باید اردرهم آمیختن آرزو و تمایل برای جهان بهتر با درک کاملتر از واقعیت اجتناب کرد.

رابعاً، "اقتصاد توسعه غالباً" به نظر می رسد که بر این فرض استوار می باشد که مشکلات ساختاری در اقتصاد جهان توسعه یافته (سرمایه داری) تا حدودی حل شده است ومشکل این قبیل کشورها فقط کسب رشد مستمر و خودکار در جامعه شان می باشد. به عبارت ساده تر کشورهای توسعه یافته امروزی بر مسائل ومشکلات توسعه غلبه پیدا کرده اند. البته این موضوع روشن نیست درست باشد. زیرا هنوز بیکاری، نابرابری، محرومیت وانواع مختلفی از عدم تعادل ساختاری (در ارتباط با ترازپرداختها، صنعتی شدن وشهرنشینی ونظایر آن) به وضوح در بسیاری از کشورهای توسعه یافته سرمایه داری وجود دارد. این مشکلات

عمده، ریشه در ساختار اقتصادی اجتماعی آن کشورها دارد که با توسعه، حل نشده اند و آنها به نوبه خود، نتیجه الگوهای خاصی از توسعه هم در درون اقتصاد آن کشورها وهم در وسعت بیشتر در اقتصاد جهانی می باشند. از نکات فوق در بیان مفهوم توسعه چه نتایجی می توان گرفت؟ مهمترین وعده ترین نکته ای که می توان بر آن تاکید داشت این است که توسعه جریانی همواره خطی (دارای یک جهت) وساده نیست بلکه به جای آن توسعه جریانی است نامتعادل، غیر مستمر، غیر سازگار. توسعه جریانی دیالکتیکی است که در آن هر تغییری در اقتصاد به همراه خود مشکلات و تعدیلهای جدیدی را به وجود می آورد. توسعه فرآیندی غامض و متضاد است. فرآیندی است توأم با بحرانها و دردها و مشکلات به مانند زایش و تولد یک نوزاد که در عین حال برای آینده، امیدهایی را محقق می سازد. توسعه چیزی نیست که حکومتها از بالا بخواهند بلکه چیزی است که در درون جامعه باید بجوشد و نمو کند. تا آنجا که ممکن است هدفهای توسعه را باید تعریف و معین ساخت و معلوم کرد که آن هدفها در چارچوب کدامین ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قابل تحقق و دسترسی می باشند.

تقسیم بندی جوامع بر اساس سطح توسعه ی آنها

به طور کلی، کشورهای جهان به دودسته، کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته تقسیم می شوند. بر همین مبنا و بر اساس این معیار، برای نامگذاری این دودسته جوامع، از اصطلاحات دیگری نیز استفاده می شود. از جمله، معروف ترین آنها عبارتند از:

کشورهای عقب مانده در مقابل کشورهای پیشرفته، کشورهای غیر صنعتی در مقابل کشورهای صنعتی، کشورهای کم رشد در مقابل کشورهای رشد یافته، کشورهای کمتر توسعه یافته در مقابل کشورهای توسعه یافته، کشورهای فقیر در مقابل کشورهای غنی، کشورهای جنوب در مقابل کشورهای شمال، کشورهای جهان سوم در مقابل کشورهای جهان اول. اگرچه نامیدن این دودسته جوامع، با استفاده از هریک از اصطلاحات فوق، در اصل مسأله تفاوتی ایجاد نمی کند، اما به کاربردن هریک از این عبارات نشان دهنده ی نگرشی خاص به مسأله است. به طور مثال، استفاده از اصطلاح کشورهای عقب نگه داشته شده برای دسته اول، القای این مطلب است که مسبب توسعه نیافتگی آنها کشورهای پیشرفته می باشند.

مدیریت شهری

مفهوم مدیریت شهری اولین بار زمانی مورد توجه واقع گردید که در سال ۱۹۷۶ میلادی در کنار مفاهیم دیگری چون توسعه پایدار شهری پروژه شهر سالم در دستور کار یکی از برنامه های توسعه سازمان ملل با عنوان برنامه مدیریت شهری قرار گرفت. مطرح شدن چنین مفهوم و اصطلاحی از مدیریت در قالب مدیریت شهری ناشی از حرکت شیوه مدیریت متمرکز به سمت مدیریت غیر متمرکز در چارچوب مدیریتهای محلی تر با هدف توسعه شهری بوسیله سازمانهای محلی می باشد.

مدیریت شهری بعنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاستها، برنامهها، طرحها و اقداماتی مربوط می شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیر ساختهای اساسی زندگی شهری خصوصا مسکن و اشتغال می باشد. در چارچوب این تعریف کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص و مستقیمی به عوامل زمینه ای از قبیل ثبات سیاسی، وحدت و یکپارچگی اجتماعی و برخی عوامل دیگر نظیر توان و مهارت و دانش سیاستگذاران، تصمیم گیران و تصمیم سازان و نیز افراد استفاده کننده از این سیاستها و برنامه ها دارد. بر این اساس ویژگیهای سازمانی مدیریت شهری و نیز نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تاثیر بسزایی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن ایفا می نماید.

هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی می باشد. بر این اساس در شرایط فعلی مدیریت پایدار شهری با مدیریت شهری پایدار مطرح و مورد تاکید می باشد.

مدیریت پایدار شهری حداقل استفاده از منابع تجدید ناپذیر، پیشرفت در استفاده از منابع تجدید پذیر، ظرفیتهای جذب مواد زاید در سطوح جهانی و محلی، کنترل و راهبری نحوه برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان را در بر میگیرد.

مدیریت شهری پایدار به تمامی عرصه های فعالیت شهری و نیز به تمامی شهروندان و حضور آنان در مدیریت شهری اشاره دارد. به عبارتی دیگر شهر پایدار زمانی شکل می گیرد و کارآمدی خود را نشان می دهد که مشارکت و مداخله مردم را بصورت حقیقی و حقوقی به رسمیت بشناسد. (پرهیزکار، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

در رابطه با مفهوم و کارکرد مدیریت شهری چنین می توان بیان کرد که مدیریت شهری بیشتر وجه فنی و اجرایی دارد و نسبت به حکومت شهری، جو حاکمیتی آن کمتر است و نهادهای مدیریتی شهر بیشتر مجری تصمیمات نهادهای حکومتی هستند که معمولاً در سطح ملی یا محلی مطرح شوند (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۷۳)

هر چند رهیافت سنتی و متداول در مدیریت شهری بر مبنای تمرکزگرایی در سطح ملی و تمرکززدایی در سطح محلی، برنامه ریزی یکپارچه در سطح کلان ملی، برنامه ریزی میان مدت، نظام بسته و انحصار طلبانه دولتی، اقدامات واکنشی و تنظیم کننده وضع موجود با استفاده از راه حل های فن سالارانه استوار بوده اما در مقابل، رهیافت نوین اداره شهرها بر تمرکززدایی در سطح ملی و تمرکزگرایی در سطح محلی، نظام باز و کثرت طلبی در جامعه مدنی، اقدامات ابتکاری و تسهیل کننده وضع مطلوب، عمل اجتماعی و مشارکت فراگیر استوار است (رضائی، ۱۳۹۷).

ابعاد آسیب شناسی مدیریت شهری

آسیب شناسی یکی از جامعترین مفاهیم در دهه های اخیر می باشد. این واژه در مفهوم گسترده آن به معنی شناخت مسائل اداره و بهره برداری صحیح و کارا از منابع مالی، نیروی انسانی و مواردی از این دست در سازمان است. برای دستیابی به الگوی مطلوب مدیریت شهری باید از امکانات فنی، ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده بطور رضایت بخش بهره گرفت. این میسر نمی شود مگر در سایه شناخت درست وضعیت موجود و تعیین فاصله با ایده آل های هدف گذاری شده.

برای آسیب شناسی مدیریت شهری باید به اصول زیر توجه کرد.

- نقش محوری شهروندان و نیازهای آنها
- حفظ محیط زیست به عنوان جز لاینفک فرایند توسعه برای نسل های امروز و آینده
- ریشه کن کردن فقر و کاهش تفاوت های طبقاتی
- در نظر گرفتن شرایط ویژه هر شهر
- مسئولیت مشترک و همکاری کلیه دولت ها و ملت ها
- سیاست های جمعیتی مناسب
- تغییر الگوهای تولید و مصرف غیر پایدار در جوامع شهری
- انتقال فناوری و ارتقا دانش علمی جهان از طریق مبادلات و همکاری های بین المللی.
- مشارکت کلیه مردم و تلاش دولت ها برای ترویج و ارتقا آگاهی عمومی
- قانون گذاری و التزام عملی به قوانین وضع شده در زمینه مدیریت شهری
- بسیج نیروهای بومی و جلب مشارکت آنها و حمایت از هویت و فرهنگ ایشان.
- استفاده از خلاقیت و نوآوری برای حل مسائل شهری

در سایه شناخت و عمل به چنین الزاماتی می توان انتظار داشت که مدیریت شهری به صورتی پیوسته بهبود پیدا کند. شهرهایی که از این صول پیروی می کنند در کوتاه مدت و بلندمدت رشد پایدار را تجربه خواهند کرد. تجربه زیسته شهروندان در چنین شهرهایی نشان می دهد که این همان رویای باستانی پیرامون دستیابی به آرمان شهری است که در جستجو بوده اند.

آسیب شناسی طرح های توسعه شهری در کشور

الف. عدم ارتباط و هماهنگی بین فرایند تهیه، بررسی و تصویب طرح های جامع شهری با فرایند اجراء و سازمان اجرایی آنها.
ب. به طوری که سازمان اجرایی و نهادها و سازمانهای دخیل در امر توسعه شهری، نهادهای تخصصی محلی و مردم هیچگونه نقشی در تهیه، بررسی و تصویب طرحها ندارند و فقط در زمان اجراء به حضور آنها اهمیت داده می شود.

ج: مسائل و مشکلات مربوط به نحوه اجراء و سازمان اجرایی که جدای از محتوای طرحهای جامع و نحوه بررسی و تصویب طرحها نمی تواند مورد بررسی قرار گیرد:

۱- عدم مشارکت مردم به عنوان کسانی که قرار است پیشنهادهای طرح به طور مستقیم بر زندگی آنها اثر بگذارد در فرایند تهیه برنامه ها و بررسی و تصویب آنها، باعث توجیه نشدن مردم نسبت به اهداف طرح و محتوای آن و تهیه طرح بر اساس زمینه فکری مشاور و کارفرما و تهیه شدن طرح بدون توجه به نیازها، خواسته ها و اولویتهای مردم می شود که این موارد باعث مشارکت کمتر مردم در فرایند اجرای طرحها و برنامه ها می شود. به خصوص اگر این نکته را مد نظر قرار دهیم که قسمت عمده ای از هزینه های اجرایی طرح به طور مستقیم و غیرمستقیم توسط مردم پرداخت می شود، موضوع مشارکت مردم در اجراء ملموس تر می شود. (به عنوان مثال در تهیه طرح جامع سبزوار بر اساس نظر مشاور ۶۸ درصد هزینه های اجرای طرح بر عهده مردم گذاشته شده در حالیکه در روند تهیه و بررسی طرح، جای مردم و نمایندگان آنها خالی است.

۲- عدم مشارکت سازمان اجرایی طرح و نهادهای دخیل در امور توسعه شهری در فرایند تهیه و بررسی طرحها و در نتیجه تهیه طرح بدون توجه به امکانات و تواناییها و اولویتهای آنها از بعد مالی، فنی، اهداف و برنامه ها که باعث عدم اجراء بسیاری از پیشنهادهایی طرح جامع می شود.

۳- نبود مدیریت یکپارچه و واحد شهری در اجرای طرحهای شهری در جهت هماهنگی بین برنامه های سازمانها و نهادهای مسئول در امور شهری با مصوبات و مقررات طرح جامع و الزام آنان به رعایت پیشنهادهای طرح جامع و نظارت آن بر اجرای مصوبات طرح جامع.

۴- وجود نارساییها در قوانین ومقررات شهرسازی همانند قوانین مربوط به مالکیت عمومی و خصوصی و یا ابهام در قوانین و تناقض در قوانین و مقررات در مسائل مختلف همانند اراضی شهری و مانند آن.

نتیجه گیری

تغییرات سریع نظام سکونتی در کشور و گسترش روز افزون شهرنشینی و تأثیرپذیری شهرها از تحولات ملی، بین المللی و جهانی و به ویژه طرح بحثهای مربوط به جهانی شدن و جایگاه شهرها در این فرایند و همچنین نارساییهای موجود در نظام فعلی شهرسازی و برنامه ریزی شهری در کشور، نیاز به برخورد سیستمی و جامع با مقوله شهر و برنامه ریزی شهری می باشیم. بولدینگ نظریه پرداز آمریکائی شهرها را به عنوان پیچیده ترین سطح سیستمها بعد از سیستم های ذهنی می داند. بر این اساس درک تحولات و فرایندهای مربوط به شهر و شهرسازی نیازمند واقعگرایی در تدوین اهداف و برنامه ها در مقیاس ملی، منطقه ای و محلی و پرهیز از ارائه طرحهای خیالی و آرمانی جهت هماهنگ کردن شهرنشینی با شهرسازی در کشور و جلوگیری از بروز ناهنجاریها و نابسامانی ها در محیط شهری است. چرا که آنچه که تاکنون در کشور اتفاق افتاده تقدم شهرنشینی بر شهرسازی و دنباله روی طرحهای شهری از فرایندهای شهرنشینی برای کاهش مشکلات بوده است. بر این اساس به نظر می رسد راهکارهای زیر می تواند در جهت بهبود برنامه ریزیها برای محیط شهری موثر باشد:

۱- ترسیم سیاستهای کلان دولت در زمینه آمایشی به عنوان خط مشی اصلی توسعه کلان کشور و به عنوان طرحهای بالادست برای تمامی سطوح برنامه ریزی ها و سازمانها و نهادهای مسئول و ایجاد سازو کارهای قانونی برای اجرایی شدن آن.

۲- اصلاح نظام برنامه ریزی کشور از روند متمرکز و برنامه ریزی بالا به پایین به نظام غیر متمرکز و پایین به بالا در جهت ایجاد سازو کارهای مشارکت مردم، نهادهای محلی و متخصصان در تهیه و اجرای طرحها به جهت آشنائی مسئولین محلی و مردم با ویژگیهای محیطی، نیازمندیها، توانمندیها و اولویتهای و دادن اختیارات قانونی به شورای اسلامی شهر به عنوان دولت محلی در جهت برنامه ریزیهای محلی و نظارت بر آنها. به عنوان مثال در جهت نظام برنامه ریزی غیرمتمرکز در کشور می توان تمهیداتی اندیشید تا قوانین در سطح ملی به تصویب مراجع قانون گذاری برسد ولی در تهیه آیین نامه های اجرایی یا دستورالعملها، مراجع محلی (مانند شورای شهر و شهرداری) به دلیل داشتن اشراف به شرایط هر شهر، پیش نویس آیین نامه ها را تهیه و به مراجع مرکز ارسال کنند تا پس از کارشناسی و تقسیم بندی کشور از حیث مشترکات اقتصادی، اجتماعی و مانند آن آیین نامه های اجرایی با توجه به شرایط واقعی شهرها تهیه شوند.

۳- توجه به تمرکز زدائی در جهت مشارکت مردم در مراحل تهیه و بررسی طرح، به دلیل نقش مؤثر مشارکت مردم در واقعگرایی تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی آن. به عبارت صحیح تر توجه به شهرسازی به عنوان یک مدل مدیریتی و مشارکتی و نه به عنوان یک مدل ریاضی و یا عمران. مدیریت توسعه مناسب با همکاری و مشارکت مردم تنها در جایی می تواند صورت گیرد که هر شخصی کوچکترین تعلق یا مسئولیت برای زندگی خویش احساس می کند. در واقع مدیریت شهری برای رفع مشکلات و دستیابی به اهداف چاره ای جز مشارکت گسترده به ویژه در تصمیمات مهم ندارد. از این رو لازم است ملازمات سیاسی و حقوقی مربوط به مشارکت گسترده همگان فراهم شود. تمرکززدائی یکی از ساز و آسب شناسی طرح های توسعه شهری در کشور

منابع و ماخذ

احمدیان، رضا، (۱۳۸۳) الگوی ساختاری- راهبردی، نگرشی جدیدی در برنامه ریزی شهری، ماهنامه شهرداریها، سال ششم، شماره ۶۶ .

احمدیان، رضا، (۱۳۸۲) طرحهای توسعه شهری، ناکارآمد و تحقق ناپذیر، ماهنامه شهرداریها، سال پنجم، شماره ۵۰

.آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۷۹) اندیشه نوسازی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران

اسدی، ایرج، (۱۳۸۰) نقد مبانی نظری طرحهای جامع شهری، رساله کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا،

دانشگاه تهران

تشکر، زهرا، (۱۳۷۹) طرحهای توسعه شهری؛ ناکارآمدی در اجراء، ماهنامه شهرداریها، سال اول، شماره ۱۲

رضائیان، راحله، (۱۳۸۳) علل عدم تحقق طرحهای شهری در مرحله اجراء(نمونه موردی، طرح جامع قائمشهر)، رساله

.کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

.رهنمائی، محمد تقی و فاطمه شاه حسینی، (۱۳۸۳) فرآیند برنامه ریزی شهری ایران، سمت

.سعید نیا، احمد، (۱۳۷۴) اندیشه های خام شهرسازی، هنرهای زیبا، شماره اول

سعید نیا، احمد، (۱۳۸۲) مفاهیم و محتوای طرحهای ساختاری- راهبردی، آبادی، سال سیزدهم، شماره ۳۹

سعیدی رضوانی، نوید و غلامرضا کاظمیان، (۱۳۸۰) امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها، سازمان شهرداریهای کشور

.سعید نیا، احمد، (۱۳۸۲) کتاب سبز شهرداریها، جلد پنجم، طرحهای شهری در ایران، سازمان شهرداریهای کشور، چاپ دوم

غمامی، مجید، (۱۳۷۱) بررسی و نقد اجمالی طرحهای جامع شهری، آبادی، سال دوم، شماره ۷

مطالعات راهبردی- تطبیقی شهرهای جهان، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۸۲

.مهديزاده، جواد، (۱۳۸۲) برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران

مهندسين مشاور شارمند، (۱۳۸۲) شیوه های تحقق طرحهای توسعه شهری در ایران، جلد اول، سازمان شهرداریهای کشور،

چاپ دوم

Sutcliffe, (1980) Anthony, the rise of modern urban planning 1800-1914, mansell, London.

Chapin.J.R.F.Stuart, (1965) Urban land use planning, university of Illinois press, Urbana.